

## بایدن و استراتژی بزرگ آمریکا



قدرت احمدیان

دانشیار روابط بین‌الملل در دانشگاه رازی کرمانشاه

بنجامین میلر در کتاب ارزشمندی به‌نام «استراتژی بزرگ آمریکا؛ از ترومن تا ترامپ» به چهار استراتژی بزرگ در رویکرد کلی ایالات متحده آمریکا نسبت به روابط بین‌الملل اشاره دارد.

**۱ رئالیسم تهاجمی:** هدف این استراتژی کسب و یا حفظ «هژمونی و سلطه یک‌جانبه» آمریکا با بهره‌گیری از قدرت سخت است. در این استراتژی آمریکا هر نوع تقابلی با سلطه و برتری جویی این کشور را بر نمی‌تابد و با قدرت تهاجمی نظامی بر علیه آن اقدام می‌کند.

**۲ رئالیسم تدافعی:** در رئالیسم تدافعی ایالات متحده به‌دنبال هژمونی و سلطه نیست بلکه این کشور سعی دارد تا اتخاذ رویکرد مبتنی بر «بازدارندگی و توازن قدرت» به‌نوعی تعادل و ثبات در روابط بین‌الملل برسد اگر چه در اینجا قدرت سخت و توان نظامی نقش کلیدی را بازی می‌کند اما آمریکا از این توان فقط برای حفظ وضع موجود در روابط بین‌الملل و جلوگیری از بی‌نظمی و عدم تعادل بهره می‌گیرد. دوران نیکسون و کیسینجر اوج غلبه این نگاه در رویکرد کلی بین‌المللی آمریکا است.

**۳ لیبرالیسم تهاجمی:** این استراتژی در برگزیده مفاهیمی چون «دموکراسی‌سازی و بسط ارزش‌های لیبرالیستی» با بهره‌گیری از قدرت سخت است. به‌عبارتی ایالات متحده در این استراتژی تردیدی در استفاده از قدرت نظامی برای ایجاد تغییرات دموکراتیک مورد نظر خود ندارد.

جورج بوش پسر را معمولاً در ذیل این استراتژی به‌حساب می‌آورند. یک‌جانبه‌گرایی و استفاده از زور برای ایجاد تغییرات به اصطلاح دموکراتیک خصیصه اصلی این استراتژی است.

**۴ لیبرالیسم تدافعی:** در لیبرالیسم تدافعی هدف گسترش ارزش‌های لیبرال و دموکراتیک است اما این هدف تنها از طریق چندجانبه‌گرایی و توسل به سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و با توسل به قدرت نرم و در صورت ضرورت استفاده چندجانبه و بین‌المللی از قدرت سخت دنبال می‌شود. در این استراتژی رفتار ایالات متحده تا حدودی مسئولانه و منطبق بر هنجارهای جامعه بین‌المللی است.

اما سوال اساسی که به مسائل جاری در خاورمیانه و نقش ایالات متحده بر می‌گردد آن است که در دولت بایدن کدام استراتژی حاکم است؟ فهم این مسئله می‌تواند ما را در پیش‌بینی رفتار ایالات متحده نسبت به تحولات منطقه یاری دهد.

براساس آموزه و تجربه کاری جو بایدن چه در دولت اوپاما و چه به‌عنوان رئیس‌جمهوری آمریکا بسیار روشن است که این دولت اول اینکه، توان احیای هژمونی ایالات متحده را ندارد و اساساً این کشور به دلایل مختلف از جمله مشکلات اقتصادی قادر به پرداخت هزینه‌های یک قدرت هژمون نیست. این «ناهم‌مونی‌گرایی» از زمان اوپاما شروع و در دولت ترامپ به اوج رسیده است و اکنون هم ایالات متحده بر همان مدار و محور حرکت می‌کند.

دوم اینکه، ایالات متحده بایدن نه توان و نه اراده بهره‌گیری از رویکردهای یک‌جانبه در روابط بین‌الملل را ندارد. از این روی سعی دارد رفتارهای سیاست خارجی خود را با متحدین بین‌المللی، منطقه‌ای و حتی قدرت‌های نوظهور مثل چین و هند و البته نهادهای بین‌المللی تنظیم کند. این مسئله موجب می‌شود تا این کشور وارد یکسری معادلات پیچیده دیپلماتیک گردد و در نتیجه از اتخاذ تصمیمات فوری، هیجانی و گاهی بی‌ملاحظه باز داشته شود.

سوم اینکه، آمریکا در دولت بایدن دنبال بازدارندگی یک‌جانبه با قدرت سخت هم نیست. عصر بهره‌گیری از

قدرت سخت برای بازدارندگی یک‌جانبه برای ایالات متحده سپری شده است. این رویکرد تنها در دوره جنگ سرد مصداق داشت و از آن پس ایالات متحده از چنین استراتژی‌ای پیروی نمی‌کند. به‌ویژه اینکه رقیب قدرتمندی مثل شوروی در برابر او قرار ندارد. جورج بوش پسر را نباید مدافع این استراتژی قلمداد کرد. چون این استراتژی دنبال جنگ و تغییر رژیم‌ها نیست بلکه یک استراتژی محافظه‌کارانه است در حالی که جورج بوش پسر سیاست تغییر رژیم و دولت-ملت‌سازی جدید را دنبال می‌کرد.

چهارم آنکه، به نظر می‌رسد دولت بایدن از یک استراتژی لیبرالیستی تدافعی پیروی می‌کند که چیستی و تبعات آن در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دولت بایدن خود را یک دولت مسئول در قبال نظم بین‌المللی قلمداد می‌کند و مدعی است رفتارهای هنجارستیز و یک‌جانبه دونالد ترامپ در قبال رژیم‌ها و نهادهای بین‌المللی در حوزه‌های مختلف اعم از امنیت، محیط زیست، تجارت و حقوق بشر پرستیژ ایالات متحده را در معرض خطر قرار داده است و از این رو، این کشور سعی دارد بر حسب هنجارهای بین‌المللی و با اتخاذ رویکردی چندجانبه‌گرایانه در قبال بحران‌های بین‌المللی نوعی مدیریت صریح، قاعده‌مند و مسئولانه را در پیش گیرد. اگر چه این ادعا در عمل با مشکلاتی مواجه بوده و گاهی در حد ادعا باقی مانده است اما عدم اتخاذ رفتارهای جنگ‌طلبانه، عدم یک‌جانبه‌گرایی، تلاش برای اتخاذ تصمیمات توجیه‌پذیر از نظر حقوق بین‌الملل، توجه به گسترش ارزش‌های لیبرالیستی مورد نظر آمریکا و بلوک غربی مثل صلح و حقوق بشر و مواردی از این دست حکایت از آن دارد که بایدن در دولت خود کم و بیش از استراتژی «لیبرالیسم تدافعی» بهره می‌گیرد. اینجا ایالات متحده دوستدار و خواهان بسط ارزش‌های لیبرالیستی است اما برای رسیدن به این وضعیت از قدرت نظامی یک‌جانبه‌بدان گونه که در دولت جورج بوش پسر انجام می‌شد، بهره گرفته نمی‌شود. حداکثر تمایل دولت بایدن به استفاده از قدرت نظامی در منازعات بین‌المللی آن است که چنین اقدامی به‌نام دفاع مشروع و برای بازدارندگی اقدامات تهاجمی علیه منافع آمریکا انجام پذیرد و از احتمال شکل‌گیری وضعیت جنگ فراگیر به‌شدت جلوگیری شود. از این رو، در مطالعه رفتار بایدن نسبت به منازعه منطقه خاورمیانه باید توجه داشت که این دولت دنبال تغییر هیچ رژیمی نیست و در ادراکات و هیران فعلی آمریکا سیاست «سر زدن» یا تغییر رژیم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار نیست.

به‌طور بدیهی علت اتخاذ استراتژی لیبرالیسم تدافعی در دولت بایدن از یک طرف محصول محدودیت‌های برآمده از محیط بین‌المللی است که در این بخش باید به نگرانی از گسترش یک جنگ بزرگ در ابعاد وسیع از شرق اروپا و مسئله اوکراین تا منطقه خاورمیانه و حتی آسیا و اقیانوسیه اشاره کرد. در کنار این مسئله، معضلات برآمده از پدیده‌های اجتماعی مثل مهاجرت گسترده بین‌المللی از مناطق بحران‌زده مثل اوکراین و خاورمیانه به سمت کشورهای عضو اتحادیه اروپا را هم باید به‌عنوان عامل محیطی مهم در اتخاذ استراتژی لیبرالیسم دفاعی قلمداد کرد.

از طرفی دیگر، باید نقش شرایط داخلی آمریکا را در پذیرش استراتژی لیبرالیسم تدافعی مهم دانست. ایالات متحده درگیر در انتخابات داخلی برای دور رکن مهم کنگره ریاست‌جمهوری است. اتخاذ هر نوع سیاست تهاجمی بی‌سرانجام از طرف دولت دموکرات بایدن می‌تواند هزینه‌های سیاسی داخلی سنگینی را بر حزب دموکرات تحمیل کند. دولت بایدن درصدد است تا با تکیه بر نوعی همکاری و چندجانبه‌گرایی بین‌المللی میان کشورهای «بلوک لیبرالیست» و بهره‌گیری از نهادهای بین‌المللی و حرکت در چارچوب این موازین اقدامات احتمالی نظامی محدود خود را علیه جبهه مقاومت در یمن، سوریه و عراق توجیه کند. در این راستا باید گفت این دولت هرگز وارد برنامه‌ای که یک جنگ بزرگ و فراگیر بین‌المللی که مستلزم لشکرکشی گسترده برای تغییر دولت‌ها باشد، نخواهد شد.

## تیتریک

HEADLINE ONE

۲

## محمد درویش پس از اظهار نظر استاندار تهران در بررسی بحران کمبود آب پایتخت مطرح کرد:

# اعلام کنید کدام نهادهای خاص هزینه آب نمی‌پردازند؟



پریسا هاشمی

گزارشگر هم‌میهن

استاندار تهران روز گذشته خواستار آن شد تا کمبود آب از مردم مخفی نشود و حتی بر ضرورت ارتقای آگاهی مردم نسبت به این کمبود نیز تاکید کرد. هر چند این دیدگاه مورد تایید بسیاری از کنشگران محیط‌زیست است اما راه حل کاملی نیست و به گفته محمد درویش، کنشگر محیط‌زیستی اقدامات و وظایفی که دولت‌ها تاکنون از آن شانه خالی کردند نیز بسیار مهم است. وظایفی مانند تغییر ساختار ساختمان‌ها و دادن کنتور آب مستقل به شهرک‌های بزرگ غرب تهران. به گفته این کنشگر محیط‌زیست، جداسازی آب شرب از آب مصرفی نیز از جمله اقداماتی است که دولت باید به آن اهتمام ورزد.

اینطور به نظر می‌رسد که کمبود آب نه تنها در تهران بلکه در کشور به بحران جدی تبدیل شده و حتی امنیتی شده است؛ به طوری که اکثر مقامات مسئول به بهانه تشویش آذهان عمومی، موضوعات مربوط به بحران آب را کتمان می‌کنند و حتی تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌های مربوط به بحران آب نیز پشت درهای بسته صورت می‌گیرد. در حالی که به دلیل کاهش بارندگی و برداشته‌های بی‌رویه از سفره‌های آب زیرزمینی، علاوه بر بحران با فرونشست زمین مواجه هستیم؛ فرونشست‌هایی که خط‌بحران چپانی را رد کرده و فاجعه‌ای بزرگ شده است. فرسودگی تاسیسات آبرسانی نیز گاه و بیگاه به فروریزش‌هایی در خیابان‌های مختلف- به‌ویژه در مرکز و جنوب پایتخت- می‌انجامد. یازدهم آبان سال گذشته بود که مهدی پیرهادی، رئیس کمیسیون سلامت و خدمات شهری شورای شهر تهران درباره کمبود آب در تهران هشدار داده و اعلام کرد میزان آب در سدهای تامین‌کننده پایتخت کاهش چشمگیری داشته است. او اعلام کرد: «اگر باران نیارد، تهرانی‌ها حدوداً ۱۰۰ روز آب خواهند داشت. در سدهای اطراف تهران آب وجود ندارد و اگر در فصل پاییز و

زمستان دچار کمبود آب هستیم، باید برای فصل تابستان و سال‌های بعد چاره‌ای بیندیشیم». مهدی پیرهادی امسال نیز درباره کمبود آب هشدار داده است. دی امسال نیز خبرهای رسمی از شرایط بحرانی بارش‌ها و کاهش ۵۶ درصدی میزان بارندگی‌ها در استان تهران خبر می‌داد که منجر به اعلام هشدار درباره وضعیت حجم آب سد تهران شد. از سوی دیگر شرکت آب منطقه‌ای تهران اعلام کرد که سد لار ۱۲ میلیون مترمکعب آب با یک درصد پرشدگی، در شرایط خشک‌شدگی قرار گرفته است. سدهای دیگر تهران هم شرایطی بهتر از سد لار نداشتند. طبق آمار تازه مرکز اطلاعات و داده‌های آب کشور مجموع آب موجود در سدهای تهران در اواسط دی ۲۵۶ میلیون مترمکعب آب ذخیره دارند. براساس آمارها سد ماملو ۲۷ میلیون مترمکعب (۱۱ درصد) پرشدگی، سد لتیان ۱۴ میلیون مترمکعب (۱۵ درصد) پرشدگی، سد امیرکبیر ۴۲ میلیون مترمکعب (۲۰ درصد) پرشدگی و سد طالقان با ۱۶۱ میلیون مترمکعب (۳۸ درصد) پرشدگی قرار دارند.

### مسئولان بدانند بحران آب در نیک است

با وجود اعلام این آمارها نیز صرفه‌جویی صورت نگرفت و حالا علیرضا فخاری، استاندار تهران به جای محافظه‌کاری و امنیتی کردن کمبود آب، با حضور در نشست «بررسی مشکلات آب و مدیریت جامع حوضه آبخیز در استان تهران» این بحران را با پایتخت‌نشینان در میان گذاشته و تاکید کرده است: «یکی از چالش‌های جدی استان، حوزه آب و کاهش میزان نزولات آسمانی و به تبع آن کمبود مقدار ذخایر این ماده حیاتی در پشت سدها است. در حوزه آب باید اعلام کنیم که با چالش جدی مواجهیم و تأمین آب تهران باید در اولویت برنامه‌ریزی‌ها قرار گیرد. مسئولان شهر و استان تهران باید بدانند در آینده نزدیک و در زمان وقوع بحران چه وضعی در حوزه تأمین آب خواهیم داشت.» او با اشاره به اینکه نباید کمبود آب را از مردم مخفی نگه داشت و بیدارهای صرفه‌جویی را آموزش داد، افزود: «اگر مردم به نحوه مدیریت مسئولان ایراد بگیرند بهتر از آن است که در تابستان با نبود آب مواجه شوند. ۹۰ درصد از حجم آب مصرفی کشور برای بخش کشاورزی استفاده می‌شود و تغییر الگوی کشت ضرورت دارد. برای سال زراعی جدید باید سیاست‌هایی را تدوین کنیم

## ادامه

تیتریک

### ۴ به رسمیت شناختن مظاهر تجدد و تمدن

همچنین با نام بردن از وسایل ارتباطی مدرن تأکید می‌کند با تمدن و تجدد مخالف نیستیم، بلکه با فحشا مخالفیم. این در حالی است که نحله‌هایی وجود داشتند و دارند که با ذات تمدن غربی و تمام‌نمادها و نهادهای آن مشکل دارند. اما امام خمینی وارد این بحث‌های فلسفی نمی‌شود و به صراحت می‌گوید: «ما با سینما مخالف نیستیم، ما با مرکز فحشا مخالفیم، ما با رادیو مخالف نیستیم، ما با فحشا مخالفیم، ما با تلویزیون مخالف نیستیم، ما با آن چیزی که در خدمت اجانب برای عقب‌نگه داشتن جوانان ما و از دست دادن نیروی انسانی ماست، با آن مخالف هستیم، ما کی مخالفت کردیم با تجدد؟ با مراتب تجدد؟ مظاهر تجدد وقتی که از اروپا پایش را در شرق گذاشت- خصوصاً در ایران- مرکز [عظیمی] که باید از آن استفاده تمدن بکنند ما را به توحش کشانده است. سینما یکی از مظاهر تمدن است که باید در خدمت این مردم، در خدمت تربیت این مردم باشد.»

### ۵ آزادی در مقابل اختناق نه بندگی

در این نطق تعریف روشن آزادی هم ارائه می‌شود. آزادی در مقابل اختناق و به معنی حق ابراز عقیده و نظر نه چنان که سال‌ها بعد بعضی افراد در سخنرانی‌های پیش از خطبه‌های نماز جمعه درصدد انکار این مفهوم مدرن برآمد چندان که آزادی را در مقابل بندگی خدا می‌نشانند. آزادی در مانیفست شفاف ۱۲ پهنم اما در مقابل اختناق قرار دارد و منافاتی هم با بندگی خداوند ندارد:

«آزادی می‌خواهیم ما، ما پنجاه سال است که در اختناق به سر بردیم، نه مطبوعات داشتیم، نه رادیو صحیح داشتیم، نه تلویزیون صحیح داشتیم؛ نه خطیب می‌توانست حرف بزند، نه اهل منبر می‌توانستند حرف بزنند، نه امام جماعت می‌توانست آزاد کار خودش را ادامه بدهد؛ نه هیچ‌یک از اقشار ملت کارشان را می‌توانستند ادامه بدهند و در زمان ایشان هم همین اختناق به طریق بالاتر باقی است و باقی بود الا آن‌هم باز نیمه‌حشاشه‌او که باقی است، نیمه‌حشاشه این اختناق هم باقی است.»

### ۶ دولت با آرای ملت

مشهورترین جملات این نطق اینهاست:

«من دولت تعیین می‌کنم، من توی دهن این دولت می‌زنم.» نکته قابل توجه اما این است که تصریح می‌کند: «امن به واسطه اینکه ملت مرا قبول دارد، دولت تعیین می‌کنم.»

سه روز بعد در حالی که شاپور بختیار به‌عنوان نخست‌وزیر مستقر است مهندس مهدی بازرگان به‌عنوان نخست‌وزیر دولت موقت منصوب می‌شود و او از مردم و در خیابان‌ها و نه نمایندگان مجلس شورای ملی رأی اعتماد می‌گیرد تا یگانه صدراعظم / رئیس‌الوزرا / نخست‌وزیری باشد که از کسی فرمان می‌گیرد که هنوز در رأس حکومت ننشسته است.

چه، قبل تر پادشاهان، صدراعظم‌ها و رئیس‌الوزرا را تعیین و منصوب

### ۱ حق تعیین سرنوشت برای هر نسل

امام خمینی در همان آغاز از رژیم پهلوی و نه فقط شخص محمدرضا شاه سلب مشروعیت می‌کند. نه با استناد به کودتاهای سوم اسفند ۱۲۹۹ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بلکه با دو استدلال دیگر. نخست اینکه مجلس مؤسسانی که به سلطنت رضاخان رأی داد «زیر سرنیزه تشکیل شد و ملت هیچ دخالت نداشت» و دوم اینکه به فرض هم اگر مردم آن زمان دخالت داشتند حق نداشتند برای نسل‌های بعد تصمیم بگیرند:

«ما فرض می‌کنیم که یک ملتی تمام‌شان رأی دادند که یک نفری سلطان باشد؛ بسیار خوب، اینها از باب اینکه مسلط بر سرنوشت خودشان هستند و مختار به سرنوشت خودشان هستند، رأی آنها برای آنها قابل عمل است، لکن اگر یک ملتی رأی دادند- ولو تمام‌شان- به اینکه اعقاب این سلطان هم سلطان باشند، این به چه حقی [است؟] ملت پنجاه سال پیش از این، سرنوشت ملت بعدا مرعین می‌کند؟ سرنوشت هر ملتی به دست خودش است. ما در زمان سابق- فرض بفرمایید که زمان اول قاجاریه- نبودیم؛ اگر فرض کنیم که سلطنت قاجاریه به واسطه یک فرماندمی تحقق پیدا کرد و همه ملت هم- ما فرض کنیم که- رأی مثبت دادند اما رأی مثبت دادند بر آغامحمدخان قُجُر و آن سلاطینی که بعدها می‌آیند؛ در زمانی که ما بودیم و زمان سلطنت احمدشاه بود، هیچ یک از ما زمان آغامحمدخان را ادراک نکرده؛ آن اجداد ما که رأی دادند برای سلطنت قاجاریه، به چه حقی رأی دادند که زمان ما احمدشاه سلطان باشد؟ سرنوشت هر ملت دست خودش است.»

### ۲ نمایندگان واقعی مردم در مجلس

در بخش دیگر دولت‌های ذیل آن سلطنت را از این منظر غیرقانونی معرفی می‌کند که از مجلس‌هایی ناشی می‌شدند که نمایندگان واقعی مردم در آنها نبودند:

«من از شما مردم تهران سوال می‌کنم: آیا ایسن وکلایی که در مجلس هستند- چه در مجلس سنا و چه در مجلس شورا- شما اطلاع داشتید که اینها را خودتان تعیین کنید؟ اکثر این مردم می‌شناسند این افرادی را که به‌عنوان وکیل مجلس سنا یا مجلس شورا در مجلس هستند یا این هم با زور تعیین شده بدون اطلاع مردم؟ مجلسی که بدون اطلاع مردم است و بدون رضایت مردم است، این مجلس مجلس غیرقانونی است... هر کدام ادعا کردند ملت تعیین کرده است، ما دست‌شان را می‌دهیم دست یک نفر آدم ببرد او را در حوزه انتخابیه‌اش، در حوزه انتخابیه از مردم سوال می‌کنیم که این آقا آیا وکیل شما هست؟ شما او را تعیین کردید؟ حتماً بدانید که جواب آنها نفی است.»

### ۳ حق اعتراض مدنی

انتقاد دیگر رهبر فقید انقلاب این است که چرا مطالبه حق قانونی و شرعی و حقوق بشری تعیین سرنوشت به دست خود هر نسل باید سرکوب شود: «ای حق این ملت این است که یک قبرستان شهید برای ما درست بکنند در تهران، یک قبرستان هم در جاهای دیگر؟»

## تاکید تهران و ریاض بر لزوم پایان جنایات اسرائیل و بازگشت آرامش به منطقه

همچنین طرفین با ابراز رضایت از روند مناسبات دوجانبه، بر توسعه و تعمیق همکاری‌های ۲ کشور در موضوعات مورد علاقه تاکید کردند. امیرعبداللهیان و بن‌فرحان با ابراز نگرانی درباره استمرار جنایات رژیم صهیونیستی علیه مردم مظلوم فلسطین، بر لزوم پایان جنایات رژیم صهیونیستی، لغو محاصره انسانی و بازگشت آرامش به منطقه تاکید کردند.

طرفین همچنین تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله در غزه، کرانه باختری و دریای سرخ را مورد بحث و بررسی قرار دادند. امیرعبداللهیان از همتای خود نیز جهت سفر به تهران دعوت کرد.

### خبر دیپلماسی

**گروه خبر:** وزیران خارجه ایران و عربستان درباره مسائل دوجانبه و منطقه‌ای، تلفنی رایزنی کردند. در گفت‌وگوی تلفنی روز چهارشنبه «حسین امیرعبداللهیان» وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با «فیصل بن فرحان» وزیر خارجه عربستان سعودی، برخی موضوعات دوجانبه و زمینه‌های همکاری مشترک ۲ کشور و مباحث منطقه‌ای مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. در این تماس تلفنی موضوع برقراری پروازهای حج عمره و سفر هیئت فنی عربستان به ایران مورد بررسی قرار گرفت و وزیر امور خارجه ایران تسریع در آغاز عملیات عمره را مورد تاکید قرار داد.